



جشنواره استندکاپ به ایستگاه پایانی رسید

خنده بدون حیازدایی

مهدی رحیم دخت و محمد محمدی، ۱۰ شرکت کننده به مرحله نیمه نهایی راه یافته و به صورت گروه بندی دو به دو اجرا کردند. از این بین ۵ نفر به مرحله فینال رسیدند.

فینال جشنواره استندکاپ صبح یکشنبه ۲۴ دی ماه ۱۴۰۲ در حاشیه چهاردهمین جشنواره مردمی عمار با حضور پرشور مردم برگزار شد. اجرای فینال این مسابقه را آقای مهدی رحیم دخت از داوران جشنواره برعهده داشت و محمدرضا شهبازی، محمدامین میمندیان و ناصر جوادی فینالیست های این دوره رادآوری کردند.

علی اصغر موذنی، محمدرضا سعادت، محمدرضا گائینی، یدالله نجاتی و سید محسن هاشمی پنج کمدین راه یافته به فینال به ترتیب بر روی صحنه به اجرای خود پرداختند. داورهای جشنواره نیز یک به یک نظرات تخصصی خود را به فینالیست ها اعلام کردند. پس از مشورت داوران، آرا نهایی و رتبه هر یک از شرکت کنندگان اعلام شد. یدالله نجاتی با امتیازی بسیار نزدیک به سیدمحسن هاشمی توانست رتبه اول این جشنواره را به دست آورد. همچنین به گفته دبیر جشنواره، جوایزه شرکت کننده راه یافته به فینال در محفل طنز نطنز پیش رو، چهارشنبه ۲۷ دی ماه، در سینما فلسطین به آن ها اهدا خواهد شد.

خندانان بدون حیازدایی و سوار شدن بر زیسته های مردم از نکات مهمی بود که در این جشنواره به آن نگاه ویژه ای صورت گرفت.

اسامی فینالیست ها بر اساس رتبه به شرح زیر است.

یدالله نجاتی: رتبه اول

سیدمحسن هاشمی: رتبه دوم

محمدرضا سعادت: رتبه سوم

علی اصغر موذنی: رتبه چهارم

محمدرضا گائینی: رتبه پنجم

«فلانی خوب بلده جوک تعریف کنه»، «آقا پاشو مجلس رو دست بگیر یکم بخندیم»، «فلانی گوله نمکه همین که شروع می کنه به حرف زدن همه غش می کنن از خنده» این عبارات معمولاً در جمع های خانوادگی یا دوستانه در وصف کسانی گفته می شد که خوب بلد بودند بخنداند و بیخ جماعت خشک شده بر صندلی را بشکنند. آن زمان هنوز واژه استندآپ کمدی و هنر استندآپ به دایره واژگان مردم ایران اضافه نشده بود. حمید ماهی صفت و بعدها حسن ریوندی جزء افرادی بودند که فضای اجراهای کمدی را گسترش دادند. آن ها به جای اجرای میل زهوار در فرقه خانه مادر بزرگشان و خنداندن شوهر عمه و همسایه آن وری روی استیج آمدند و سعی کردند خنده را بر لب های غریبه ترها بنشانند.

استندآپ کمدی اگرچه با اجرای کمدی امثال ماهی صفت و ریوندی تفاوت داشت اما در همان بدو ورود با استقبال گسترده مردم مواجه شد. با ظهور استندآپ کمدی در همان ابتدا افراد بسیاری در سنین گوناگون جذب این هنر شده و سعی در به نمایش گذاشتن استعداد خود داشتند. جشنواره های استعدادیابی متنوعی نیز در سطح کشور به منظور کشف استعداد های جوان برگزار شد. باشگاه طنز انقلاب اسلامی نیز با هدف کشف استعداد های نوظهور کشور از چند سال گذشته جشنواره های استندآپ کمدی مجازی متعددی تحت عنوان جام رمضان برگزار نمود.

از مهرماه سال جاری اولین جشنواره ملی «استندکاپ» با همین هدف توسط باشگاه طنز انقلاب آغاز به کار کرد. به گفته دبیر این جشنواره در مرحله اول بیش از ۵۰ اثر ویدیویی برای دبیرخانه جشنواره ارسال شد که از این بین ۲۳ شرکت کننده توانستند به مرحله بعدی راه پیدا کنند. پس از چند مرحله داوری و همچنین آموزش حین کار توسط محمدامین میمندیان، ناصر جوادی،

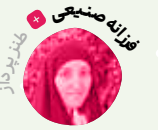
تاریخ کرمو جهان

در اوکیناوا چه گذشت

این متن راجع به کرم هایی است که آمریکادر جزیره اوکیناوا در جنوب ژاپن ریخت. پیشاپیش اعلام می کنیم اگر طفل نابالغ، نوجوان زیر هجده سال یا بانوی جوانی هستی که با والدین زندگی می کنی، این مطلب را خوانی. راستش قضیه یک جوری است که خودمان هم نمی دانیم چطور مطرحش کنیم ولی چون قرار است اینجا به تمام زوایای کرموی تاریخ بپردازیم هیچ جوری نتوانستیم از زیرش دربرویم. اما ماجرای اوکیناوا، اوکیناوا جزیره ای در جنوبی ترین قسمت ژاپن است. گفتیم جنوب، اصلاً بیابید راجع به قطب جنوب صحبت کنیم. شنیده بودید که قطب جنوب سردترین خشکی کره زمین است و عمق برف در آن به بیست متر می رسد؟ نه واقعاً می دانستید؟ ای بابا... خوب پس برگردیم به اوکیناوا.

اوکیناوا مرکز یک مجموعه از جزیره است که تعدادشان به بیش از صد عدد می رسد. در واقع کشور ژاپن خودش هم یک جزیره است. از این کشورهای جزیره ای شکل در دنیا باز هم داریم، مثلاً انگلستان، استرالیا و نیوزلند. یک قضیه شایان توجه این است که همه کشورهای با همسایه هایشان مرز خاکی دارند، اما کشورهای جزیره ای مرزهایشان به طرز جالب توجهی آبی است. یعنی نه این که رنگش آبی باشد، خودش آبی است. درست مثل اسب آبی که رنگش به هیچ وجه آبی نیست و هرگز تا به حال اسب آبی دیده نشده است، حال آن که اسب آبی خاکستری به وفور یافت می شود. کولرهای آبی هم وضعیت مشابهی دارند، با این تفاوت که آن ها غالباً به رنگ آبی تولید می شوند، اما آبی بودن آن ها به اعتبار رنگ ظاهری شان نیست، هر چند این که کسی بگوید «کولر آبی» و هدفش تمایز قرار دادن بین کولرهای قرمز و سبز و آبی باشد، عملاً محال نیست، اما... ای بابا حالا حتماً باید ماجرای اوکیناوا را تعریف کنیم؟ باشد... چاره چیست.

عرض می کردیم که این جزیره تا مدت ها پس از جنگ جهانی دوم، در اشغال آمریکا باقی ماند. گفتیم دوم، آیا می دانید ملکه الیزابت دوم، پس از لئوپولد دوم بلژیک، هانری چهارم فرانسه و ادوارد هشتم انگلستان، چهارمین فرمانروایی است که لقبش بر عدد دو بخش پذیر بوده است؟ البته اگر ژان پل دوم و بندیکت شانزدهم را فاکتور بگیریم، که البته آن ها فرمانروا نبودند ولی پاپ بودند و پاپ ها هم فرمانروای مسیحیان کاتولیک جهان هستند... خیلی خوب باشد، الان می گوئیم در اوکیناوا چه اتفاقی افتاد. تا همین امروزه نیز، هنوز تعداد بسیار زیادی از پایگاه های نظامی آمریکا در جزیره اوکیناوا وجود دارند. گفتیم وجود جالب است بدانید در اندیشه فلسفی ملاصدرا وجود مقدم بر ماهیت است، حال آن که فلاسفه قبل از او ماهیت را مقدم بر وجود می دانستند. شاید هم ملاصدرا ماهیت را مقدم بر وجود می دانست و بقیه وجود را مقدم بر ماهیت، ولی آنچه مهم است این است که شیوه ملاصدرا کلاً بر عکس فلاسفه قبل از خود بود، البته شاید هم برعکس فلاسفه بعد از خود بود، اما به هر حال مسلم است که یک چیزی این وسط برعکس بوده... ای بابا چه اصراری به قضیه اوکیناوا دارید؟ خیلی خوب حالا که پپله کرده اید می گوئیم، از آن سال ها تا به حال نظامیان آمریکایی، چه به صورت فردی و چه به صورت دسته جمعی، آن قدر زنان اوکیناوا را موردیک سری مسائل قرار داده اند که آمارش کلاً از دست دررفته و همچنان هم در حال از دست در رفتن است! خوب شد؟ خیالتان راحت شد مجبورمان کردید در ستون به این عقیفی از چنین چیزهایی صحبت کنیم؟ الان به هر کارمند کاخ سفید یک دستگاه تلفن پاناسونیک بدهند قضیه جبران می شود؟ راستی گفتیم آمارش از دست دررفته، برای این که مطلب را با خاک برسی تمام نکرده باشیم این را هم بگوئیم که در رفتگی دست در بین انواع مختلف آسیب های مفصلی رتبه اول رادارد.



نزهه منبجی